

# مبانی ارزشگذاری بناها

## و مجموعه‌های قدیمی\*

گفتار نخست - محیط زیست انسان همچون یک صحنه فرهنگی

اگر در یک جامعه یگانه و در یک زمان معین پدیده‌های فرهنگی را در کلیتشان در نظر بگیریم، با همه گوناگونی در اشکال، میان فرآورده‌های فرهنگی هماهنگی و اشتراک‌های بنیادی وجود دارد، زیرا همه این پدیده‌ها در محیط فکری و اجتماعی واحد و براساس آگاهی و هویت اجتماعی یکسانی تولید گشته‌اند. مجموعه این پدیده‌ها محیط یا صحنه فرهنگی هر جامعه‌ای را در یک دوره معین تشکیل می‌دهد؛ به عبارت دیگر محیط یا صحنه فرهنگی هر دوره هم محصول آن دوره است، هم فضای زندگی مردم آن زمان، و هم پیش شرط پرورش انسان‌هایی که در نسل بعد خواهند زیست.

### رابطه متقابل میان خودآگاهی و صحنه فرهنگی

مجموعه تصویری که آدمی از محیط فرهنگی پیرامون خود و نقش خویش در آن محیط در ذهن دارد، خودآگاهی اوست که ساختار کلی و عناصر اصلی آن را از اجتماعی که در آن به دنیا می‌آید کسب می‌کند. این خودآگاهی اساس شخصیت و هویت آدمی در هر دوره و در هر جامعه خاص است. هر قوم دارای تفسیری از هستی است که آن را می‌توان روایت یا اسطوره هستی نزد آن قوم نامید. این روایت در قالب تعدادی مضامین یا تصاویر ذهنی بیان می‌گردد. بنیاد خودآگاهی افراد بر تفسیری که آن قوم از هستی دارد، قرار می‌گیرد. این تفسیر ممکن است بسیار ساده و ابتدائی یا پیچیده و مفصل باشد، صحنه‌های تصویر هستی نزد هر قوم تشکیل دهنده سطوح اصلی فضا و صحنه فرهنگی آن قوم است، تصویرهای اسطوره‌ای هستی، استوارترین و دیرپاترین وجه خودآگاهی جامعه است، که بیش از هر چیز گرامی داشته و حفظ می‌گردد.

خودآگاهی برای آنکه از تصویر ذهنی به عالم محسوسات درآید و قابل انتقال گردد، در قالب و محملی ابراز می‌شود و آدمی برای بیان آن از قالبهای بسیاری استفاده کرده است. اما هر قالبی قابلیت بیان وجه خاصی از خودآگاهی را دارد. زبان پر قدرت‌ترین قالب ابراز تصاویر ذهنی است. لیکن نقوش، اشکال، احجام و اصوات موسیقی نیز قالب‌هایی هستند که جنسیت متفاوتی از تصاویر ذهنی را می‌توانند ابراز کنند. ترکیب نقوش هندسی در کاشی‌کاری ایرانی شیوه‌ای از تزئین

\* این مقاله خلاصه‌ای از طرح تحقیقاتی - کاربردی دیدگاهها و معیارهای ارزش‌گذاری، نگهداری و استفاده از بناها و مجموعه‌های با ارزش قدیمی است که در سال ۱۳۷۶ برای سازمان عمران و بهسازی شهری تهیه گردیده است.



خانه مسکونی در مشهد، سزدیک  
حرم حضرت امام رضا (ع)

هر نسل صحنه و محیط فرهنگی را  
از نسل قبلی به میراث می‌برد، در  
آن مطابق نیازهای زمانه خود کم و  
بیش تغییراتی می‌دهد و حاصل را  
به نسل بعدی می‌سپارد.

تصویرهای اسطوره‌ای ظاهر شد. اما در حدود شش قرن پیش  
انسان به تدریج تفسیر هستی را در قالب اسطوره‌ای آن رها  
کرد. این امر ابتدا در اروپا آغاز شد و با نفوذ اصول اندیشه این  
تمدن به دیگر نقاط جهان در فرهنگ‌های دیگر رخ داد. از وقتی  
صحنه هستی چنین تغییر کرد و انسان مبنای آن قرار داد که  
عالی‌ترین منشاء صدور آگاهی خود اوست، شروع به ستایش  
این آگاهی و فرآورده‌های آن کرد. او هر چه بیشتر از  
اسطوره‌هایی که آن را کنار نهاد فاصله می‌گیرد، آگاهی خویش  
و محصولاتی که در طول تاریخ از این آگاهی زاده شده‌اند  
برایش گرامی‌تر می‌شود. انسان معاصر فرآورده‌های بی‌شمار  
آگاهی خویش را در موزه‌ها و کتابخانه‌ها گرد آورده و در برابر  
پوسیدگی از آن محافظت می‌کند. حتی فرآورده‌هایی که از یک  
فرهنگ نازل صادر شده است به اعتبار آنکه از ذهن بشر  
تراویده‌اند واجد ارزش خاص خود محسوب می‌شوند؛ زیرا با  
زوال بینش اساطیری آفریده‌هایی نیز که در پرتو آن بینش  
شکل می‌گرفت دیگر تولید نمی‌گردد. به این اعتبار است که  
حفظ قطعات و آثار فرهنگ گذشته در مقطع کنونی تاریخ بشر  
اهمیتی حیاتی دارد. این آثار تنها حلقه‌هایی هستند که انسان  
آینده را که الزاماً قیدی فرهنگی و اجتماعی نیز در ذات انسان  
بودن خود دارد به عمق وجدان و خودآگاهی وی پیوند  
می‌دهد و امکان بازیابی و تداوم و زنده ماندن «کیفیت انسان  
بودن» را در آینده فراهم می‌نماید.

نقش اشیاء و مکان‌ها در بازسازی حافظه تاریخی و  
ایجاد تخیل خلاق

وجهی از خودآگاهی اجتماعی مشتمل بر ویژگیها و

است؛ ولی در تبدیل مکرر نقش اشکال به عنوان شکل اصلی  
و شکل زمینه‌ای، و در چند لایه بودن الگوهای نظم، در  
نامکشوف ماندن و حالت معمائی سلسله مراتب نظم،  
مواردی از فلسفه وجود یا نظم هستی را به گونه‌ای که در ضمیر  
ایرانیان منعکس می‌شده بازگو می‌کند، که آنرا نمی‌توان در  
قالب کلمات بیان کرد.

بیان خودآگاهی در قالب‌های غیرکلامی پیشینه‌ای بسیار  
کهن دارد. از دوران پیش از تاریخ آدمی، پیش از آنکه کتابتی در  
کار باشد، نقوش و اشکال بر پیکر اشیاء یا بناها به یادگار مانده  
است. بنابراین آن وجه از خودآگاهی هر قوم که در قالب  
نقاشی، پیکره‌سازی، معماری و ساخت انواع اشیاء و ابزارها  
متبلور گردیده بسیار دیرین است.

بشر پس از ابداع کتابت نیز از بیان خودآگاهی در قالب‌های  
غیرکلامی بی‌نیاز نگردیده و همواره وجوهی از وجدان خویش را  
که به قالب کلام در نمی‌آمده در ترکیب نقوش ابزار داشته است.  
این خودآگاهی قومی در نقش قالی‌ها، کاشیها و گچ‌بری‌ها، پیکر  
احجام و بناها و در کالبد شهرها و خلاصه در قالب هر آنچه که  
مصنوع آدمی بوده از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. انتقال  
این مضامین هم ضامن تداوم و باز تولید حیات فرهنگی جامعه  
بوده و هم نیاز فردی به نشئه بازآفرینی و تفسیر هستی و یافتن  
جوهر حقیقی آن را پاسخ می‌دهد.

محتوای خودآگاهی در دوران معاصر و ضرورت  
حفظ آثار فرهنگی

در همه جوامع و تمدن‌ها، روایت هستی ابتدا در قالب



سردر باغ ملی - تهران

شرط آنکه ساختمان تاریخی بتواند  
تأثیر فرهنگی مثبتی بر محیط  
زندگی امروزی اعمال کند آن است  
که در محیط فعال باشد.

ترتیب جای قطعه یافته شده را در تصویر مشخص می‌نماید. قطعه‌ای که جاییش در تصویر هستی معلوم گشته بازی فرهنگی می‌یابد، بدین سبب است که یک شی، یا ساختمان، یا مکان، یا هر وجود مادی دیگری که زمانی مورد استفاده یک شخصیت تاریخی یا واسطه وقوع یک حادثه تاریخی بوده دارای باری فرهنگی است و می‌تواند یک خاطره تاریخی را همراه با ارزشهایی که در خود حمل می‌کند بازسازی کند و بدین ترتیب تخیل انسان را به حرکت در آورد. نگهداری خانه‌ای که یک هنرمند در آن می‌زیسته از آن روی است که آن شخصیت برای مردمی که امروز می‌زیند یک خاطره فرهنگی است. ظرف سفالینی که از ماده‌ای فراوان و بی‌ارزش ساخته شده است وقتی هزار سال عمر کرده باشد به این اعتبار با ارزش می‌گردد که می‌تواند تخیل را به حرکت در آورد و آدم‌های آن روزگار را در صحنه امروز زنده و مجسم کند. به این ترتیب شی قدیمی اعم از آنکه گلدان و یا ساختمان باشد یک "معنای" تاریخی است و دارای بار نهفته یا قابلیت فرهنگی برای فعال کردن تخیل آدمی در تصویرسازی فرهنگی و تاریخی است و این تصویرها برای ذهن امروزی همچون سرمشق و نمونه‌ای برای بازسازی شخصیت و هویت اجتماعی و تحریک تخیل خلاق عمل می‌کنند.

شرایط شکوفایی تخیل فرهنگی خلاق: شیء فعال /  
ذهن فعال

شرط آنکه شیئی تاریخی بتواند چنین تأثیری را بر محیط  
زندگی امروزی اعمال کند آنست که در محیط فعال باشد. به

کیفیت‌هایی است که افراد انسان را به اشخاص اجتماعی تبدیل می‌کند، و در آنها قابلیت‌ها و خصایص لازم برای مشارکت در زندگی اجتماعی و ایفای نقش همچون مهره‌های انجام دهنده کارکردهای اجتماعی را بارور می‌نماید. این خصایص همچون رمزگانی هستند که در افراد استعداد و قابلیت مشارکت در فراگردهای مختلف زندگی اجتماعی را ایجاد می‌کنند. بنابراین بخش بزرگی از حافظه قومی مشتمل بر تاریخی است که مهمترین کارکرد آن آموزش و انتقال خصایص اخلاقی، یا به تعبیری رمزگان روان‌شناختی و شخصیتی لازم برای استمرار باز تولید زندگی اجتماعی و فرهنگ قومی ملازم با آن است. انسان قدیم و انسان معاصر هر دو باید هویت اجتماعی خویش را از نمونه‌ها و سرمشق‌هایی که از گذشته بر جای مانده بازسازی کنند. انسان قدیم روایت‌های اسطوره‌ای را که از پدران به او می‌رسید سرمشق قرار می‌داد، لیکن انسان امروزی از آنجا که ناگزیر است ذهن واقع‌گرای خویش را مجاب کند، ناچار باید به تاریخ ازمه‌شناسی (chronological) توسل جوید و معنای وجودی و محتوای وجدانی‌اش را از مطالعه و شناخت سیر تحول فرهنگ خویش دریابد. انسان امروزی ناچار است هستی‌اش را بدین‌گونه تفسیر و تصویر کند.

در حدود پنج یا شش قرن است که انسان کار جمع‌آوری پاره اطلاعات تاریخی را برای ساختن روایت هستی خویش و جهان آغاز نموده است. انسان قطعات واقعه‌ها و اشیاء و پدیده‌ها را می‌یابد، ارتباط آنها را با دیگر قطعاتی که در جدول جهانی زمان و مکان توجیه شده‌اند پیدا می‌کند و به این



خانه دردشتی - تهران محله  
عودلاجان

تخریب محیط تاریخی و کاهش  
حساسیت‌های فرهنگی و  
خلاقیت‌های انسانی در قطب یک  
دور نزولی هستند که یکدیگر را  
تشدید می‌کنند.

تصویر رابطه‌ای عاطفی برقرار می‌کند. این فرآیند بدانجا منجر می‌شود که انسان محیط زیست خویش را با مجموعه‌ای از ارزشهای مثبت و یا منفی ارزیابی می‌کند. قطعات مختلف محیط زیست هیچگاه به تنهایی و منفرد درک نمی‌گردند بلکه همراه با زمینه‌ای که در آن قرار گرفته‌اند معنی پیدا می‌کنند. مثلاً یک بافت شهری آراسته و با نشاط قطعات و ساختمانهایی را که در آن قرار گرفته‌اند تحت تأثیر قرار می‌دهد و یا چند بنای با ارزش در کنار هم مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که ارزش آن به مراتب بیش از مجموع ارزش یکایک آن ساختمانهاست. اینگونه تاثیرگذاری متقابل را اثر "گشتالتی" می‌نامند. اثر گشتالتی را در مورد تاثیر منفی ضد ارزشها و کیفیت‌های نامطلوب بر قطعات با ارزش نیز می‌توان مشاهده کرد. بنابر همین استدلال می‌توان گفت که یک ساختمان قدیمی که واجد ارزشهای معماری و هنری می‌باشد در محیطی که زندگی شهری شاداب و امروزی در آن جریان دارد دارای جلوه است و پیامها و ارزشهای تاریخی و زیبایی‌شناختی آن به نحو مؤثرتری در محیط انعکاس می‌یابند.

### گفتار دوم - تحول دیدگاههای ارزش‌گذاری آثار قدیمی و تاریخی در جهان

در حدود قرن چهاردهم میلادی در اروپا عصر تازه‌ای آغاز شد که آن را رنسانس نامیدند، و آن زمانی است که دیدگاه بشر نسبت به خود و نسبت به نقش وی در محیطش تغییر کرد و نظام ارزش‌های او نیز تغییر یافت. هنر و فرهنگ یکی از مهمترین عرصه‌هایی بود که چهارچوب ارزش‌گذاری آن تغییر

این اعتبار هر چه میزان مشارکت بناهای تاریخی در فعالیت‌های جاری بیشتر باشد تعداد بیشتری از آنها شانس و امکان بقاء خواهند داشت. اما این مشارکت مستلزم آمادگی ذهنی و فرهنگی مردم برای پذیرفتن بنای تاریخی در متن زندگی امروز نیز هست. اگر ذهن امروزی نسبت به پدیده تاریخی که پیش رویش قرار می‌گیرد دارای حساسیت و دانش فرهنگی کافی نباشد در آن چیزی جز کهنگی و فرسودگی و عدم کارایی نخواهد یافت. بدین ترتیب تخریب محیط‌های تاریخی و نزول حساسیت‌های فرهنگی و خلاقیت‌های انسانی دو قطب یک دور تسلسلی هستند که یکدیگر را تشدید می‌کنند. ذهن خام تربیت نایافته قادر به تفکیک ارزشها و ضد ارزشهای گذشته تاریخی نیست. از اینرو در آن تعجیل می‌ورزد که گذشته تاریخی را با چیزهای نو جایگزین کند.

این نکته را نیز باید در نظر داشت که تاریخ در متن زندگی زمانی معنی پیدا می‌کند که دانش ذهنی با مصادیق عینی ارتباط یابد و مردم را به حفظ بناهای قدیمی و سیمای محیط‌های تاریخی علاقمند نماید. از اینرو در کنار بهبود شیوه‌های آموزش رسمی تقویت زمینه‌های آموزش غیررسمی نیز در حساس نمودن مردم عادی نسبت به ارزشها و مفاهیم آثار تاریخی دارای اهمیت زیادی است.

### کیفیت‌های شهر امروزی به عنوان زمینه قرارگیری قطعات تاریخی

انسان در برخورد با محیط زیست خود و ضمن زندگی کردن در آن، تصویر یا صحنه‌هایی ذهنی از آن می‌سازد و با این



مسئول مسکونی - کرچه  
معاون السلطان - تهران

تاریخ به گونه‌ای که امروز آموزش  
داده می‌شود نمی‌تواند در مردم  
حساسیتی نسبت به آثار تاریخی  
ایجاد کند.

تغییر شرایط و چشم‌اندازهای زندگی پس از جنگ دوم جهانی نحوه نگرش انسان امروزی نسبت به آثار و بقایای ذهنی و مادی گذشته‌اش را دگرگون نموده است. اطلاعات اجزاء و عناصر فرهنگی جوامع گوناگون که در طی قرن‌ها در مکانهای مختلف پرورده شده اکنون در عصر انفجار اطلاعاتی قطعه قطعه گردیده، در هم ادغام شده، و بدین ترتیب ارزشهای مطلق خود را از دست داده است. هر پدیده فرهنگی که امروزه تولید می‌شود در واقع امتزاجی از فرهنگ‌های مختلف است که به شرایط زمانی و مکانی متفاوتی تعلق دارند و این همان چیزی است که آن را به فرهنگ «کولاژ» می‌توان تعبیر کرد. هر چه جامعه بسوی تولید پدیده‌های کولاژ پیش رود، گرایش به حفظ آثار فرهنگی گذشته بیشتر می‌شود زیرا قطعاتی که دارای تمامیت معنی داری هستند ارزش والاتری می‌یابند. این قطعات هرچه بزرگتر باشد با ارزش‌تر و نگاهداری‌شان نیز دشوارتر می‌شود. در دهه‌های اخیر در کشورهای توسعه یافته که بیشتر طبیعت سرزمین در محاصره محیط مصنوع قرار گرفته و تعادل آن مورد تهدید واقع شده است حساسیت و وجدان تازه‌ای نسبت به ارزش محیط زیست طبیعی و اینکه باید تعادل آن حفظ شود بیدار شده است. به همین جهت میراث‌های طبیعی مانند میراث‌های فرهنگی صرف‌نظر از اینکه در محدوده مرزهای کشورها قرار دارند، در شمار ثروت‌های کلیه ملل جهان قرار گرفته‌اند (هفدهمین اجلاس یونسکو سال ۱۹۷۲ ماده ۱ و ۲).

کرد. مفهوم اثر تاریخی و اثر فرهنگی زاده همین دوره است که از آن دوره تا به امروز دایره آن مرتباً گسترش یافته است. یکی از شواهد تحول بینش نسبت به مقوله ارزش‌گذاری میراث‌های فرهنگی ایجاد موزه‌ها است. پیدایش نهاد «موزه» آشکارا با تاریخ تحول بینش بشر نسبت به بنیان هستی پیوند دارد. قرن هجدهم نیز شاهد تحول عمیق‌تر بینش اجتماعی نسبت به ارزش آثار هنری و فرهنگی است. علت این تحول شروع و رشد مدنیت جدید در اروپا و رشد زمینه تحقیق و استنتاج علمی از پدیده‌های فرهنگی، پیدایش نخستین شکل توریسم، بیداری اندیشه و روحیه طبقه‌بندی پدیده‌های طبیعی و دانش فرهنگ بشری و پیدا شدن حساسیتی نسبت به ارزش پدیده‌های غیر بومی است.

در نیمه اول قرن نوزدهم و پس از انقلاب کبیر فرانسه موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به روی مردم گشوده شد و احساس ارزش و ارجمندی نسبت به آنچه از گذشته بجای مانده در سطحی گسترده شیوع یافت که خود سرچشمه زایش سبک‌های جدید در هنر و معماری گردید. توسعه علوم و دانش‌های مختلف نیز در تغییر دیدگاه بشر نسبت به هویت و گذشته خویش سخت مؤثر واقع شد، نخستین نظریات مدون در مورد مرمت معماری نیز تقریباً در همین دوره پدید آمد. این نظریات در بطن خود بیانگر دیدگاه‌های خاصی هستند که در این دوره نسبت به ارزش‌گذاری آثار تاریخی تحول یافته بود.



عمارت ذوالفقاری‌ها - خیابان امام  
خمینی - زنجان

اصول ساختمانی بناهای قدیمی با آنچه که امروز متداول است تفاوت‌های اساسی دارد. از اینرو در مرمت سازه بناهای قدیمی نباید از مصالح و تکنیک‌های ساختمانی امروزی به روشی که در یک ساختمان جدید بکار برده می‌شود استفاده گردد.

## ۲- معیارهای ارزش‌گذاری آثار قدیمی در جهان‌بینی کهن ایرانی

در جهان‌بینی ایرانی، پیش از آنکه از اندیشه‌ها و ارزش‌های غربی متأثر گردد، سه نوع معیار ارزش‌گذاری نسبت به اشیاء و یا بناها را می‌توان تشخیص داد.

۱- ارزش استفاده‌ای

۲- ارزش مبادله‌ای

۳- ارزش اعتقادی

ارزش استفاده‌ای مفهومی است که میان همه فرهنگ‌ها اشتراک دارد. از این دیدگاه آدمی برای گذران زندگی جاری خویش اشیائی را می‌سازد و بنا بر دوام شیء آن را تا حد ممکن مورد استفاده قرار می‌دهد. این دیدگاه به تنهایی نمی‌تواند بقای مصنوعات را برای مدتی طولانی تضمین نماید زیرا با وجود نگهداری مناسب و تعمیر به موقع که موجب کندی فرسایش می‌گردد زمانی فرا می‌رسد که ساختن شیئی جدید باصرفه‌تر باشد. بدین ترتیب عمر مصنوع به پایان می‌رسد و رها می‌گردد تا دیر یا زود در معرض پوسیدگی قرار گیرد.

ارزش مبادله‌ای یا ارزش اقتصادی نیز مفهومی بسیار دیرین دارد. اغلب پدیده‌های مصنوع تا زمانی که قابل استفاده هستند کم و بیش دارای ارزش مبادله‌ای نیز خواهند بود. در مورد برخی از مصنوعات ارزش مبادله‌ای ممکن است به ماده به کار رفته در شیء یا به مهارت به کار برده شده در ساخت آن مربوط باشد.

بجز این دو، یک معیار دیگر در جهان‌بینی قدیم وجود

## گفتار سوم - مفهوم ارزش‌گذاری در جهان‌بینی ایرانی و تحول دیدگاه‌های ارزش‌گذاری آثار

### تاریخی و قدیمی در ایران

#### ۱- زمینه ارزش‌گذاری آثار تاریخی در ایران

در ایران ارزشمند تلقی کردن آثار و اشیاء قدیمی به عنوان شاخص‌هایی از تاریخ و فرهنگ گذشته دیدگاهی نسبتاً تازه است و سابقه آن حتی به یک قرن نمی‌رسد. این دیدگاه به شکل امروزی آن در جهان‌بینی ایرانی وجود نداشته و در اثر افزایش تماس با غرب تدریجاً به ساختار جهان‌بینی جامعه مدنی ایران وارد شده است. لیکن پیش از این تحول آثار قدیمی از دید ایرانیان فاقد ارزش نبود بلکه فقط دیدگاه ارزش‌گذاری آن با امروز تفاوت داشت. اینگونه آثار در قدیم محمل‌های حفظ و زنده نگاه داشتن خاطره مذهبی، آئینی و اساطیری بودند. به همین دلیل امامزاده‌ها، مقبره‌ها و بناهای متبرکه، که بعدی مذهبی و اعتقادی داشتند بیشتر حفظ شده‌اند. در حالی که کاروانسراها، قلعه‌ها، کاخ‌ها و ... به حال خود رهاگشته و غالباً رو به ویرانی رفته‌اند. ولی امروزه هدف از نگاهداری آثار قدیمی آن است که حتی الامکان وضعیت کنونی آن حفظ شده و در صورت مرمت، کاری که برای مرمت انجام شده محسوس گردد.

دیدگاه قدیم همیشه مرمت را به قصد نو کردن انجام می‌داد در حالی که دیدگاه امروزی بر آن است که حتی در صورت احیای عملکرد بنای تاریخی نیز ارزش قدمت و گذشت زمان را از چهره آن نزداید.



ساختمان دوره ناصری واقع در باغ  
عشرت آباد تهران که امروزه به  
عنوان پادگان نظامی مورد استفاده  
قرار می‌گیرد.

اگر آموزش تاریخ در مدارس با  
مصادیق عینی آن در شهرها ارتباط  
داشته باشد، بناهای تاریخی و آثار  
قدیمی شانس بیشتری برای بقا  
خواهند داشت.

دارد و آن ارزشی است که ممکن است بنا بر آئین یا اعتقاد به شیء یا بنا نسبت داده شود. در فرهنگ ایران این نوع ارزش بیشتر در مورد مکان یا به اصطلاح عرصه بنا مصداق دارد که از سایر ویژگیهای بناها دیرین و پایاتر است. در ایران قدیم سهم بزرگی از این مکان‌های واجد ارزش مربوط به مقابر و بقاع متبرکه بوده است. اگر این بحث را در حوزه‌ای فراخ‌تر از بناها و اشیاء مطرح کنیم، در ایران اندیشه مکتوب نیز گرامی بوده است. از این‌روی ایران همیشه دارای کتابخانه‌های بزرگی بوده و خواص به جمع‌آوری کتاب علاقه داشته‌اند و بیشترین و بهترین آثاری نیز که از قدیم باقی مانده مربوط به اندیشه‌های فلاسفه، مورخان و شعرای بزرگ ایران است که از طریق استنتاج حفظ گردیده است.

## مروری کوتاه بر تحول دیدگاه‌های ارزش‌گذاری بر آثار قدیمی در ایران

چنانکه گفته شد تحول بینش نسبت به ارزش آثار قدیمی در ایران مقوله‌ای بسیار اخیر است و برای اینکه بتوان روند آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد باید به زمانی برگشت که اروپائیان از زاویه دید خویش نسبت به آثار تاریخی و هنری ایران کنجکاو می‌یافتند.

الف - دوره اول کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران  
توجه و علاقه‌مندی به آثار تاریخی ایران از سوی غربی‌ها، مدت‌ها پیش از آغاز کاوش‌های سیستماتیک روی نموده است. گزارش راولینسون در مورد سنگ نبشته بیستون (۴۱ -

۱۸۳۶م) نخستین کوشش علمی و آکادمیک در زمینه شناسائی آثار تاریخی ایران است که زمینه تسریع علاقمندی اروپائیان به ادوار باستانی آسیای غربی و عصر ماقبل تاریخ ایران را مهیا کرد. یکی از نخستین تحقیقات سیستماتیک کار مشترک فلانندن و کوست بود که در سال‌های ۱۸۵۴ - ۱۸۴۳ م صورت گرفت. در زمان ناصرالدین‌شاه مارسل دیولافوا و همسرش به تحقیقات دامنه‌داری درباره آثار تاریخی و باستانی ایران پرداختند. بسیاری از آثار کهن ایرانی در موزه لوور مربوط به کاوشهایی است که آنان در ایران انجام دادند. در این دوره آشنائی و تماس ایرانیان با ایده‌های مربوط به ارزشمندی آثار و بناهای تاریخی به نخستین اقدامات برای مرمت اینگونه بناها منتهی گردید. مرمت برج طغرل در اواخر دوره ناصری از این قبیل است. بررسی تاریخی تحولاتی که در این دوره در افکار و ذهنیات ایرانیان، دست کم در میان دولت مردان بلند پایه رخ می‌داد، نشان می‌دهد که دگرگونی دیدگاه‌ها نسبت به ارزش آثار تاریخی با تحولات اساسی تری در بنیان‌های جهان‌بینی آنان همراه بود که یکی از بارزترین وجوه این دگرگونی را در تغییر مفهوم تاریخ و زمان می‌توان یافت که از تاریخ‌نویسی اساطیری به تاریخ‌نگاری به روش اروپائیان که بر مبنای تطبیق و مقایسه و طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات عینی استوار است، تغییر یافت. پس از مشروطیت توجه روشنفکران ایرانی به نحوی متفاوت از گذشته به تاریخ و فرهنگ ایران جلب گردید و ناسیونالیسمی که از این راه پا گرفت به تدریج وسعت یافت و به توجه و تمجید از ایران باستانی پرداخته شد. این ناسیونالیسم نوپا در ادبیات و اشعار



ساختمانهای مکرنی - خیابان  
کوشک - تهران

بناهای با ارزش در کنار هم ارزش  
یکدیگر را تشدید می‌کنند و  
مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که  
ارزش آن به مراتب بیش از مجموع  
تک تک آن ساختمانها می‌باشد.

آثار باستانی (۱۳۰۹) و تأسیس موزه ایران باستان می‌باشد.

### ج - طرح‌های توسعه شهری و بناها و مجموعه‌های قدیمی

در بررسی کارنامه طرح‌های معماری و شهرسازی در ایران  
در دوره پهلوی اول نمونه‌های بارز پیشرفت و رفاه را خواهیم  
یافت. معماری و شهرسازی جدید که شرایط بهتری را عرضه  
می‌کرد به سرعت در میان مردم جای باز کرد و این گرایش از  
۶۰ سال پیش چهره شهرها و محیط زیست مصنوع ایران را  
دگرگون کرد. در سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ تقریباً هیچ شهری  
نبود که یک یا دو خیابان عریض و مستقیم از میان بافت قدیم  
آن عبور نکرده باشد. ولی بطور کلی روند نوسازی شهری تا  
دهه ۱۳۴۰ هنوز کند بود و کالبد شهرهای ایران نسبت به قدیم  
تفاوت محسوسی پیدا نکرده بود. ولی با تغییر الگوهای  
فرهنگی و زیستی مردم و افزایش درآمدها کیفیت محیط  
کالبدی از دهه ۱۳۴۰ به نحو چشم‌گیری دگرگون گردید در  
حالی‌که آگاهی نسبت به ارزش بناها و بافت‌های قدیمی  
همپای آن رشد نکرد.

### د - اثرات طرح‌های کنترل و هدایت توسعه شهری (طرح‌های جامع) بر بافت‌ها و ساختمان‌های قدیمی

از دهه ۱۳۴۰ با تهیه طرح‌های جامع فصل نوینی در تغییر  
شکل و نوسازی شهرها بوجود آمد. در یک ارزیابی کلی  
می‌توان گفت که اجرای طرح‌های جامع از حیث شاخص‌های

و نمایشنامه‌ها نیز وارد شد.

دوره دوم کاوش‌های باستان‌شناسی ایران از سال ۱۹۳۱ م  
آغاز گردید. طی این دوره به انحصار فرانسوی‌ها خاتمه داده  
شد. همراه با این کاوش‌ها که در چهارچوب دانش  
باستان‌شناسی و کنجکاوی‌های علمی و آکادمیک صورت  
گرفت، ایرانیان نیز به تدریج به جمع‌آوری و تهیه کلکسیون  
آثار عتیقه علاقمند شدند. تا قبل از جنگ جهانی دوم کلیه  
حفری‌ها جهت یافتن اشیائی برای زینت دادن موزه‌ها بود.

### ب - پیدایش نهادهای رسمی ایرانی حفظ آثار تاریخی

گذشته از کلکسیونی از اشیاء جوراجور که ناصرالدین‌شاه  
پس از مسافرت به اروپا به نام موزه در کاخ گلستان ترتیب داد،  
اولین موزه ایران در سال ۱۲۹۵ق توسط مرحوم صنیع‌الدوله  
بنام موزه معارف در وزارت معارف تأسیس شد. هم زمان با  
توسعه فعالیت‌های باستان‌شناسی توسط اروپائیان در سال  
۱۲۹۷ق اداره عتیقات در همان وزارت معارف گشایش یافت.  
تلاش جمعی از رجال فرهنگ دوست در جهت حفظ موارث  
فرهنگی به تشکیل انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۴ منتهی  
گردید. به خدمت گرفتن آندره گدار بعنوان مدیر باستان‌شناسی  
در سال ۱۳۰۶، رواج سبک معماری باستانی پس از سال  
۱۳۱۲ در ساختمان‌های دولتی، و برگزاری جشن هزاره  
فردوسی شاخص‌های مهمی از توجه یافتن دولت به تمدن  
کهن ایران و به امر باستان‌شناسی در دوره پهلوی اول بوده  
است. لیکن از همه مهم‌تر در این زمینه تصویب قانون حفظ





خانه مسکونی - دربند -  
کوچه طباطبایی - تهران

با اعتلا و دقینتر شدن  
معیارهای ارزش گذاری و  
افزایش توان اجتماعی  
برای نگهداری بناهای  
قدیمی ساختمانهای  
بیشتری می توانند باقی  
بمانند.

## گفتار چهارم - گونه شناسی کلی بناها و مجموعه ها و عناصر با ارزش از دیدگاه این بررسی

بناها و آثار غیرمنقول ساخته دست انسان از نظر کاربرد، زمان و مکان ساخت بسیار متنوع هستند لیکن در این بررسی گونه شناسی طیف محدودتری از آنها مورد نظر است که گروه بناهای با ارزش محسوب می شوند. این گروه از بناها و مجموعه ها در درون خود دارای سلسله مراتب و نظام هستند، و به دو رده تقسیم می شوند: رده اول شامل آثاری است که به علت قدمت و یا دارا بودن ارزش های باستان شناختی دارای ارزش های استثنایی هستند مانند تخت جمشید، مجموعه شوش و ... که عموماً تحت عنوان میراث های فرهنگ ملی و یا میراث های فرهنگ جهانی به ثبت رسیده اند. این گروه از بناها مورد بحث این نوشته نیستند. رده دوم آثار با ارزش در محیط های سکونت بشر آن دسته از آثاری است که ثبت شده نیستند ولی بنا بر عواملی که در گفتار مربوط به «معیارهای ارزش گذاری بر بناها و مجموعه های قدیمی» تشریح شده واجد ارزش فرهنگی تشخیص داده می شوند و موضوع بررسی این تحقیق هستند. این قبیل بناها حجم اصلی بافت قدیمی شهرها را تشکیل می دهند. در بسیاری از موارد ارزش این بناها بیش از آنکه به ارزش معماری یکایک آنها بستگی داشته باشد به بافتی که در آن قرار گرفته اند مربوط است.

کمی، محیط شهری را بهبود بخشید ولی از حیث شاخص های فرهنگی کیفیت محیط های شهری را رو به نزول برد. در مورد بافت قدیم شهرها از سوی طرح های جامعه حساسیتی ابراز نشد و از این رو طی دهه ۱۳۵۰ و پس از آن بافت های تاریخی شهرها به گونه ای متعارض با هویت فرهنگی خویش تحول یافته و نوسازی شد. در حقیقت مشکل در نحوه نوسازی و ارتقاء کیفیت محیط زیست شهری است. امروزه ساختمانهای جدیدی که در سراسر ایران ساخته می شوند از لحاظ الگو و شیوه معماری شبیه به هم هستند و سرمشق آنها ساختمان های دهه ۱۳۴۰ و پس از آن است. بهرحال الگوی مورد عمل چه از نظر طراحی و چه از نظر شیوه ساخت و اجرا فاقد هرگونه حساسیتی نسبت به «ارزش های قدمت» است. بدین ترتیب هم شیوه های جدید ساختمان سازی و هم الگوهای جدید توسعه شهری در ایران نسبت به بناها و بافت های قدیمی حالتی بیگانه و آشتی ناپذیر دارند و آنها را نفی می کنند. مشکل کنونی توسعه شهری در ایران از زاویه برخورد با ساختمانها و بافت های قدیمی در حفظ و نگهداری آنها نیست بلکه در ناتوانی برای ارتقای کیفی و امروزی کردن آنهاست. از اینرو باید دانش طراحی و اجرا و مدیریت توسعه شهری در ایران که همه ابعاد آن در تضاد یا بی اعتنائی نسبت به ارزش های محیط موجود و قدیم است تغییر یابد و ارزش قدمت نیز به صورت یکی از شاخص های مثبت توسعه در فرایند آن وارد گردد.



ساختمان نجاری (سرای پروین) -  
خیابان ناصرخسرو تهران

در بسیاری موارد ساختمانی با ارزش در اشغال کاربری‌هایی قرار دارند که نسبت به ارزشهای فرهنگی این بناها بی‌تفاوت و بی‌توجه‌اند. این ساختمان با ارزش به صورت انبارها و کارگاههای تولیدی و مغازه‌های عمده فروشی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### گونه‌شناسی عناصر از لحاظ نوع عملکرد

گونه‌های شکلی و عملکردی عناصر بسیار متنوع هستند. برخی عناصر با ارزش طبیعی مانند غار، چشمه و درخت ... در شهرها و روستاها هم دارای ارزش کاربردی هستند و هم با تاریخ و سابقه اسکان در آن نقطه پیوند دارند و با باورهای بومی درآمیخته‌اند. بطور کلی عناصر در دوره طبیعی و انسان ساخت طبقه‌بندی می‌شوند و با توجه به اینکه موضوع این بررسی ارزش فرهنگی عناصر به معنای وسیع کلمه است، باید در جستجو برای عناصر با ارزش و ارزیابی آنها به این جنبه ارزش فرهنگی آن موکداً توجه شود تا اینکه عناصر طبیعی که عملکرد معینی ندارند ولی معنای فرهنگی عمیقی دارند از قلم نیفتند.

گونه‌های عناصر مصنوع نیز متنوع‌اند و بجز ساختمانها که دارای عملکردی معین هستند، برخی عناصر مانند باغ، استخر، قنات و ... ممکن است به دلایل تاریخی یا فرهنگی یا فنی با ارزش باشند، عناصری که دارای عملکرد معینی هستند ممکن است با تغییراتی که در تکنولوژی یا الگوی زندگی رخ داده عملکرد خود را از دست داده باشند، مانند آب انبار، یخچال، کبوترخانه ... در حالی که بعضی هنوز اعتبار عملکردی و آئینی خود را حفظ نموده‌اند، مانند مسجد، امامزاده، بازار ... بدین ترتیب عناصر واجد ارزش فرهنگی را از لحاظ اعتبار عملکردی‌شان در زندگی معاصر به سه گونه غیرفعال، نیمه فعال و فعال می‌توان تقسیم کرد که هر یک از این سه گروه از لحاظ امکانات ماندگاری و نگاهداری‌شان با یکدیگر تفاوت دارند.

### گونه‌شناسی عناصر از لحاظ اندازه و مقیاس

عناصر با ارزش را از لحاظ بعد و اندازه و یا تعلق به یک مجموعه بزرگتر در سه رده خرد، میانی و کلان می‌توان جای داد. عناصر خرد مانند در، سردر، کتیبه، پنجره، بادگیر، باغچه و گنبد ... که خود یک عنصر تمام و معنی‌دار است و جزئی است از یک عنصر ترکیبی بزرگتر که در مقیاس میانی قرار دارد. عناصر میانی در اندازه و مقیاس بناها و قطعاتی که دارای خاصیت عملکردی معینی می‌باشند قرار دارند، خانه، حمام، مسجد، کاخ، میدان ... که از بسیاری اجزاء مقیاس خرد تشکیل گردیده‌اند و در ترکیب با یکدیگر عناصر مقیاس کلان مانند کوچه، محله، شهر، قلعه، بازار ... را پدید می‌آورند. شخصیت و ارزش هر عنصر در کل به شخصیت اجزای خردتر تشکیل دهنده آن و بیش از آن به نحوه ترکیب اجزاء بستگی دارد. یک محله قدیمی که دارای بافت شهری با ارزشی است معمولاً از بناهایی تشکیل یافته که ممکن است یک به یک ارزشی را که در مجموع دارند نداشته باشد.

حفظ ارزش‌های عناصر کلان دشوارتر از عناصر میانی و عناصر خرد است؛ زیرا نیازمند منابع مالی سازمان یافته‌تر، روند طراحی و اجرایی پرورش یافته و ذهنیت آماده و مساعد افرادی است که در این مجموعه‌ها زندگی یا از آن استفاده می‌کنند.



ساختمان سکونی - اداری، خیابان فرصت، تهران

عمارتی به سبک معماری مدرن اولیه در تهران که به عنوان نمونه‌ای برجسته از معماری یک دوره خاص در پایتخت دارای ارزش است.

## گفتار پنجم - معیارهای ارزش‌گذاری بناها و مجموعه‌های با ارزش

### ۱ - ارزشمندی برحسب شأن فرهنگی و اجتماعی کاربری بنا

میان ساختمان و نوع استفاده‌ای که از آن صورت می‌گیرد رابطه‌ای متقابل برقرار است به ترتیبی که شأن و شخصیت کاربری ساختمان بر روی کالبد و ظاهر آن تأثیر می‌گذارد و متقابلاً شخصیت فرهنگی ساختمان در ارتقاء یا تنزل شأن فرهنگی و اجتماعی فعالیتی که در آن صورت می‌گیرد مؤثر واقع می‌گردد، کاربری‌های ضد فرهنگی و ضد محیطی هر نوع ساختمان و بخصوص ساختمان‌ها و بافت‌های قدیمی را به سرعت رو به فرسایش و تنزل کیفیت می‌برند، و خود، این تنزل کیفیت شانس ساختمان را برای جلب کاربری‌های مطلوب‌تر و به اصطلاح فرهنگی تر کاهش می‌دهد. امروزه اساساً سوق دادن کاربری‌هایی که بعد فرهنگی و اجتماعی دارند به سوی بناهایی که واجد ارزش‌های فرهنگی و تاریخی هستند به عنوان یکی از عمده‌ترین روش‌های حفظ و نگاهداری این ساختمان‌ها مطرح گردیده و مورد توجه قرار گرفته است.

### ۲ - ارزشمندی به دلیل وابستگی به مجموعه

در مجموعه‌ها هر قطعه به تنهایی ممکن است دارای ارزش چندانی نباشد ولی کل ترکیب بخاطر یگانگی و هم‌آهنگی که در کلیت آن وجود دارد با ارزش است و می‌تواند حفظ گردد، نگاهداری مجموعه‌هایی چنین دشوار است زیرا

ارزش مجموعه به خاطر هم‌آهنگی قطعات متعددی است که از لحاظ نحوه مالکیت، وضعیت ایستائی و دیگر عوامل در شرایط متفاوتی قرار دارند و از این‌روی به راحتی ممکن است در هر زمان مورد تصمیم‌گیری‌های متفاوتی قرار گیرند. متأسفانه از آنجا که ذهنیت عمومی حاکم در مورد توسعه و نوسازی، روندهای قانونی و فنی و مالیاتی که در این خصوص وجود دارند عمیقاً با موجودیت بافت‌های قدیمی تضاد دارند، با سرعت در مسیر از دست دادن مجموعه‌های هم‌آهنگ قدیمی در شهرها و آبادی‌های کوچک‌تر کشور خویش قرار داریم.

### ۳ - ارزشمندی یک عنصر یا یک مجموعه به دلیل ترکیب خاص آن با طبیعت

در مورد برخی از مجموعه‌ها یا بناهای قدیمی، ترکیب با طبیعت و استفاده از شرایط خاص جغرافیائی و زیست محیطی برای رفع حوائج عملکردی یا ایستائی حالتی خاص می‌یابد. روستای ماسوله در گیلان یکی از مجموعه‌های شناخته شده‌ای است که این ویژگی را دارد. روستای کندوان در استان آذربایجان نمونه جالب دیگری است که فضاهای سکونتی آن به صورت مغاره‌هایی در دل صخره‌های طبیعی کنده شده است.

### ۴ - ارزشمندی به دلیل دارا بودن جنبه‌هایی از مهارت‌های ویژه و استثنایی در ساخت

یک قطعه مصنوع ممکن است به خاطر دارا بودن



امامزاده یحیی - گذر امامزاده یحیی -  
خیابان پانزده خرداد - تهران

درخت کهنسالی که به یک مکان بسیار قدیمی تعلق دارد عنصری طبیعی است که باری فرهنگی یافته است. این تصویر مربوط به چنار امامزاده یحیی است که قرنیا عمر داشته و ظرف همین چند دهه اخیر خشک شده است.

#### ۶- ارزشمندی برخی بناها و عناصر و مجموعه‌ها به دلیل نقش آنها در روند تحول معماری

بسیاری از بناها و مجموعه‌های کهن سال موجود در سرزمین ایران که از لحاظ معماری دارای ارزش ویژه‌ای هستند، در تحقیقات متعدد مربوط به تاریخ معماری ایران که تا به امروز صورت گرفته شناخته شده‌اند. این ارزشمندی ممکن است به نوآوری در کاربرد عناصر، ترکیب، ارزش مفاهیم ناشی از ترکیب ... و غیره بستگی داشته باشد. بعضی از این بناها که بیش از یک قرن قدمت دارند به ثبت رسیده‌اند لیکن بسیاری از بناهای با ارزش متعلق به معماری دوران انتقال از سبک سنتی به سبک‌های بعدی هنوز شناسایی نگردیده‌اند. این بناها دوران تاریخی بی از حدود صد سال تا چهل سال پیش را در بر می‌گیرند. بناهای اداری و دولتی و مسکونی اعیانی و ساختمان‌های تجاری ساخته شده بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰ شمسی در بعضی استانها و شهرستانهای مهم و در پایتخت بیشترین حجم این گروه از بناها و مجموعه‌ها را تشکیل می‌دهند.

#### ۷- ارزشمندی یک مجموعه به دلیل ارتباط با یک بنای شاخص

بسیاری از بناهایی که دارای ارزش معماری یا تاریخی فوق العاده هستند در داخل مراکز سکونتی و بافت‌های مسکونی قرار دارند و از آنجا که بنای تاریخی بخشی از هویت خویش را مرهون بافت پیرامونی است، لذا بافت اطراف بناهای تاریخی شاخص به این دلیل اهمیت می‌یابد. گنبد

جنبه‌هایی از مهارت‌های ویژه و استثنایی در ساخت ارزشمند باشد، مانند یک در، گنبد، کاشی‌کاری، گچ‌بری و یا حتی یک قطعه کاشی نقش‌دار. بی تردید جای هر عنصر و قطعه در پیکر همان بنایی است که از ابتدا در آن قرار داشته ولی گاهی این امکان وجود دارد که اجزاء با ارزش را جداگانه نگاهداری نمود و بهترین مکان برای آنها موزه معماری است. در مواردی که امکان جدا کردن یک ترکیب یا قطعه جزئی وجود ندارد می‌توان تصویری از آن را ثبت یا مدلی از آن را بازسازی کرد.

#### ۵- ارزشمندی به دلیل تعلقات آئینی و نمادین و ارتباط با آداب و سنن ملی و مذهبی

در سرزمین ایران بیشترین نوع ساختمان‌هایی که از قدیم به یادگار مانده‌اند بناهایی هستند که از لحاظ اعتقادات و سنن ملی و مذهبی برای جامعه با ارزش بوده‌اند و به این لحاظ در طول زمان در مرمت و نگاهداری آنها کوشش شده است. این نوع مکان‌ها اغلب نام‌هایی مذهبی یا آئینی دارند. همانطور که انسان امروزی باورهای اسطوره‌ای را به اعتبار آنکه شکلی از خودآگاهی اجتماعی در تاریخ بوده‌اند گرامی می‌دارد، خود شیء یا مکان اسطوره‌ای هم به عنوان یک پدیده فرهنگی دوران قدیم باید در متن یک صحنه فرهنگی امروزین قرار داده شده و از آن طریق معرفی گردد تا بتواند علاوه بر بعد اعتقادی و زیارتی از نظر تبادل پیام فرهنگی با ذهن انسان امروزی ارتباط برقرار نماید.



دبستان گیسو - چهارراه کالج - تهران

پس از ساختمانهای بسیار با ارزش و شاخص که غالباً توسط سازمان میراث فرهنگی به ثبت رسیده‌اند، رده دوم ساختمانهای با ارزش حجم بزرگی از بافت‌های قدیمی شهرها را تشکیل می‌دهند.

معروف سلطانیه در استان زنجان نمونه جالبی است. مهندس بافت اطراف این بنای ایلیخانی که توجیه کننده قرارگیری حجم ساختمان بزرگ در یک بافت ارگانیک قدیمی است به بافت ارزشی دوچندان داده است.

#### ۸- ارزشمندی یک بنا به دلیل تزئینات و جزئیات ساختمانی آن

در بعضی موارد در بافت‌های قدیمی و یا روستاها ساختمان‌هایی را می‌توان یافت که تزئینات بعضی از قسمت‌های آن به نحو چشمگیری با ارزش و خاص است در حالی که معماری بنا ارزش چندانی ندارد. نگاهداری این بناها دشوار است و به شرایط موجود برای مرمت و باززنده سازی پیکر آن بستگی دارد. تزئینات ارزشمند می‌تواند از پیکر بنا جدا و در موزه نگاهداری شود که عملی ظریف و حساس است. اکثراً مرمت یا بازسازی کل کالبد بنا ضمن حفظ جزء با ارزش آن آسان‌تر و عملی‌تر از انتقال آن اجزاء است.

#### ۹- ارزشمندی بنای قدیمی به دلیل قابلیت استفاده از آن برای یک عملکرد امروزی

بسیاری از بناهای مورد بحث در این بررسی در رده این نوع بناها جای می‌گیرند. شاید بتوان گفت هیچ بنای قدیمی نیست که نتواند بگونه‌ای مناسب بازسازی شود و برای یک استفاده امروزی تجهیز گردد. دیدگاه امروزی تنها به امتیازهای تاریخی و معماری بناهایی که در معرض نابودی هستند تاکید نکرده

بلکه به نگاهداری و حفظ محیط‌های شهری معطوف می‌گردد. از سوی دیگر دیدگاه نحوه استفاده دگرگون شده و برای بناهای قدیمی تنها استفاده‌های صرفاً فرهنگی در نظر گرفته نمی‌شود. بلکه کاربری‌های تجاری، اداری، آموزشی، تفریحی و غیره نیز مدنظر قرار می‌گیرد. بهمین جهت در طرز تلقی در مورد بازده اقتصادی تجهیز و تبدیل ساختمان‌های قدیمی تغییر بوجود آمده است. مزیت این تغییر تنها محدود به زمینه‌های فرهنگی و بومی و هنری و ملی نیست بلکه تغییر کاربری ساختمان‌های قدیمی جزو سرمایه گذاری‌های (کاربر) محسوب می‌گردد. در ایران در این زمینه کارهای زیادی انجام نشده ولی تبدیل خانه قوام السلطنه به موزه آبگینه، تبدیل کاروانسرای دوره صفوی به فضای الحاقی هتل عباسی اصفهان و تبدیل کشتارگاه تهران به مرکز فرهنگی و نمایشی برخی از نمونه‌های موفق در این زمینه هستند. ولی ترویج این امر در حد یک روش جاافتاده و آشنا برای مردم مستلزم فراهم نمودن زمینه‌های قانونی، آموزشی و اجرایی درمقیاس وسیع‌تر کار کردن بروی زمینه‌هایی است که روند تولید ساختمان را در مسیر کنونی آن به پیش می‌برند.

#### ۱۰- ارزشمندی برخی از مکانها یا خرابه‌ها از دیدگاه باستان‌شناسی و علمی

در حال حاضر شرایط اکثر خرابه‌هایی که تحت عنوان آثار باستانی حفاظت می‌شود از لحاظ نحوه نگاهداری آن‌ها

نامناسب است. این مجموعه‌ها غالباً به طریقی منفعل از بافت زنده شهر جدا شده و نسبت به آن حالت وصله ناجور به خود گرفته‌اند. محوطه‌های باستانی و خرابه‌های تاریخی را می‌توان ضمن آنکه به طریقی اصولی حفظ کرد، با طراحی‌ها و تمهیدات صحیح مانند ایجاد پارک در اطراف آن و ایجاد مسیرهای عبور پیاده به طریقی درستی در فضای شهر ادغام نمود.

#### ۱۱- ارزشمندی به دلیل تعلق به خاطره تاریخی شهر یا تعلق به خاطرات قومی و ملی

برخی از مکانها و بناها در مقاطعی کوتاه یا طولانی از عمر خویش محل وقوع فعالیت‌ها و یا اتفاقاتی بوده و شخصیت‌هایی را درخود جای داده که خاطره آنها از محدوده روزمرگی زندگی فراتر رفته و به خاطره‌ای پایدار و تاریخی تبدیل گردیده است. اگر بپذیریم که خاطرات تاریخی به علت آنکه اجزای وجدان قومی و اجتماعی یک جامعه هستند ارزش و اهمیت دارند، پس مکانها و بناهایی که محل کالبدی آن خاطرات به شمار می‌روند نیز باید به اندازه آن خاطرات واجد ارزش و اهمیت باشند. مثلاً، شهر شیراز که زیست‌گاه حافظ و سعدی بوده امروزه از آوازه این دو شخصیت اعتبار جهانی یافته است و یا مجلس شورای ملی (سابق) که کانون مبارزات سیاسی یک دوره از تاریخ ایران است اعتباری ملی یافته است. نحوه نگاهداری این بناها باید به طریقی صورت گیرد که خاطره تاریخی را که حامل آن است بازگو نماید.

#### ۱۲- ارزشمندی بناهای قدیمی به دلیل قرارگیری آنها در بافت یا بدنه‌ای شهری که قرار است طراحی و بهسازی شود

طراحی محیط‌های شهری قدیمی به قصد بهسازی و ارتقای کیفی و باززنده سازی و تقویت ارزش‌های فرهنگی آنها نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن ساختمان‌های درون آنها که اجزای تشکیل دهنده آن مجموعه هستند معنی داشته باشد. از اینرو در هنگام بهسازی این گونه مجموعه‌های شهری ساختمان‌های قدیمی درون یک بافت یا بدنه تاریخی که قرار است ضمن حفظ ارزش‌های دیرین طراحی و بهسازی شود به اعتبار آنکه قطعات تشکیل دهنده آن ترکیب بهسازی شده به شمار می‌روند اهمیت خاصی پیدا می‌کنند و باید حفظ گردند. به اعتبار این تأثیر پذیری متقابل میان کل و اجزاء بهسازی یکی بدون دیگری معنا نخواهد داشت.

#### ۱۳- ارزشمندی بناها به دلیل قرارگیری در یک بدنه یامیدان یا محور تاریخی

چهره اجتماعی شهرها در فضاهای عمومی آنها تظاهر می‌نماید، و فضاهای عمومی و خاصیت‌هایی که در این فضاها دیده می‌شود بیانگر روابط اجتماعی و جهان بینی دوره‌ای است که این فضاها، در طی آن شکل گرفته‌اند. منظور از این فضاها میدان‌ها، معابر و محورهای شهری یعنی مهمترین قطعاتی هستند که سازمان کالبدی شهر را تعریف می‌کنند. فضاهای عمومی شهری ضمن آنکه عناصر تشکیل دهنده شان در طول زمان تغییر یافته، تداوم شخصیت اصیل خویش را تا به امروز حفظ نموده‌اند ولی امروزه الگوی تولید کالبدهای شهری، از ساختمان‌ها تا معابر و میدان‌ها، هیچگونه وجه مشترکی با الگوی پیشین، که نظام تحول بافت‌های شهری را به نحوی پیوسته راهبری می‌کرده ندارد و امروزه جایگزینی عناصر و فضاهای مهم شهرها صدمات جبران ناپذیری به اصالت آنان وارد می‌آورد و باید حتی الامکان سعی گردد که عناصر و قطعات تشکیل دهنده این بدنه‌ها مرمت و حفظ گردد.

#### ۱۴- ارزشمندی یک عنصر طبیعی که بار فرهنگی یافته است

توسعه‌های امروزی طبیعت و عناصر مختلف آن را تهدید می‌کند و عناصری که در داخل یا در مجاورت شهرها و آبادی‌ها قرار دارند بیشتر در معرض تهدید هستند. عمده‌ترین مسئله در تخریب این عناصر تضعیف ذهنیت و فرهنگ اساطیری و آئینی پیشین است و فرهنگ نوینی هم که از زاویه حفظ ارزش‌های فرهنگی و زیست محیطی بر حفظ و نگاهداری آنها صحه بگذارد رشد ننموده است. این عناصر با ارزش به هر قیمت باید حفظ گردند و به گونه‌ای (امروزی‌تر) با زندگی و فرهنگ شهر پیوند یابند. محوطه اطراف یک چشمه یا صحن پیرامون یک درخت کهنسال را می‌توان با محوطه سازی و ایجاد تاسیسات مناسب به یک محل غذاخوری یا تفرجگاهی پرجاذبه و با نشاط تبدیل نمود.

#### ۱۵- ارزشمندی عناصری که حاصل همکاری زیبای میان انسان و طبیعت هستند

علاوه بر پدیده‌های طبیعی، عناصری مانند باغ‌ها و قنات‌ها وجود دارند که از رام کردن عناصر طبیعت پدید آمده‌اند و به این اعتبار می‌توان آنها را عناصر (نیمه طبیعی) نامید. اینگونه عناصر نه تنها مفهوم بسیار عمیقی از همکاری میان انسان و طبیعت را در خود دارند، بلکه دارای ارزش

تاریخی و فرهنگی بارزی هستند زیرا سابقه آبادانی و اسکان را بازگو کرده و نشان دهنده کیفیت‌ها و تکنیکهای کهن سال مهار طبیعت و استحصال از آن هستند. بنابراین با برنامه ریزی هوشمندانه می‌توان از قنات‌ها هم برای آبیاری استفاده نمود و هم آنها را به عنوان یکی از کهن‌ترین عناصر شهری در شهرهای امروزی زنده نگاه داشت، یا می‌توان باغها را به گردشگاههای عمومی تبدیل کرد.

#### ۱۶- ارزشمندی یک بنای قدیمی به دلیل باقی ماندن یک خانواده قدیمی در آن

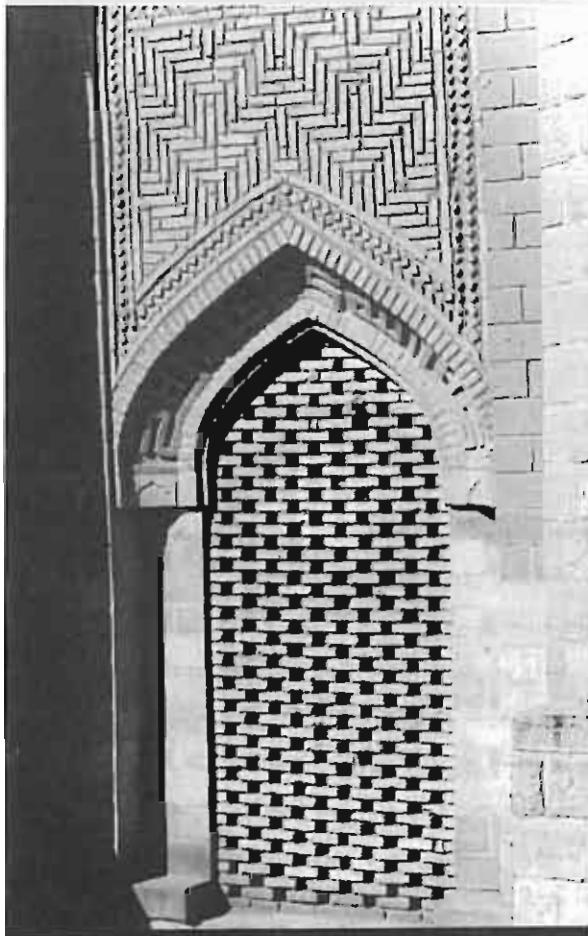
خانه‌های قدیمی با ارزش که در قدیم محل زندگی خانوارهایی از اقشار فرادست اجتماعی بوده‌اند و در بافت‌های قدیمی جای داشته‌اند بعزت تنزل ارزش‌های فرهنگی و سکونتی و یا به علت مهاجرت، ساکنین قدیمی را از دست داده و به افرادی با شرایط فرهنگی و اقتصادی نازل‌تر واگذار گردیده‌اند. بنابراین خانه‌ای که تداوم حیات کالبدی خویش را از قدیم تا به امروز همراه با تداوم زندگی ساکنانش حفظ نموده دارای ارزش فرهنگی دو چندان و شایسته است که از کمک‌های ویژه‌ای برای تداوم این پیوند برخوردار گردد.

#### ۱۷- ارزشمندی به خاطر استفاده از تکنیک‌های ویژه در ساختمان یا تأسیسات بنا

تکنیک ساختمان‌سازی در ایران در طی زمان‌های طولانی تا حد ظرافت‌های شگفت‌انگیزی از لحاظ کاربرد مصالح، روش‌ها و ابداعات هوشمندانه در ساختن احجام پیچیده و پوشش دهنه‌های بزرگ و ساختمان برج‌ها و ... تکامل یافت. ساختن آسیاب‌ها، بادگیرها، کاشی‌کاری‌ها و ... در پس خود سنت و فرهنگ تکامل یافته‌ای از ساختمان‌سازی و شهرسازی دارند بدین ترتیب آن دسته از بناهای قدیمی که در ساختمان آنها از تکنیک‌های خاص و بارزی استفاده شده واجد ارزش خاص هستند.

#### ۱۸- ساختمان‌ها و سیستم‌هایی که محل و وسیله انجام فرآیند فنی تولید یا تبدیل یک محصول بوده و بدین جهت ارزشمند می‌باشند

بناهایی مانند آسیاب‌ها و انواع کارگاه‌های تولید محصولات شیشه‌گری، مسگری، سفالگری، قالببافی و ابریشم‌بافی و غیره در این دسته جای می‌گیرند و از آن روی واجد ارزش هستند که روش‌ها و دستگاه‌های قدیمی تولید و تبدیل محصولات را در ترکیب با معماری و کالبدی که برای انجام یک فرآیند تولیدی خاص طراحی گردیده به نمایش می‌گذارند.



شوشتر - نمونه شبکه‌های آجری